

انقلاب مشروطیت که چهاردهم مردادماه سالگرد آنست، یکی از بزرگترین نهضت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری تاریخ کشور ماست که اگر هدف می‌رسد و استحکام می‌یافت، ده‌ها سال پیش کشور ما می‌توانست گام در راه رشد مستقل بگذارد. در معرض غارت امپریالیسم قرار نگیرد و از آزادی‌های دموکراتیک برخوردار شود. ولی انقلاب مشروطیت، با اینکه چند سال جوشید، با اینکه محرومان شهرو روستا در آن شرکت اینارگران و جانبازیهای فداکارانه کردند و از خون آنها وطن "لاله‌زار" شد، با اینکه انقلابیون راستین در راه پیروزی آن رحمت فراوان کشیدند، با اینکه سردارانی نظیر ستارخان و باقرخان پرورش داد، با اینکه روحانیون مبارز در آن شرکت کردند، با اینکه شمیران دولت مستعمل بود، به پیروزی کامل نرسید، از محتوی ضد استعماری و ضد استبدادی نپس شد، مسخ شد، دچار فرمایش گشت، چنانکه پس از چند سالی رضاخان با اجرای طرح انگلیسی یک کودتا، توانست تیر خلاصی را برکالند فرسوده آن بزند و فقط از نام سیاسی محتوای آن برای برقراری رژیم استبدادی سلطنتی مشتی دست‌نشانده امپریالیسم استفاده کند. دوران ۵۰ ساله رژیم پهلوی که کشور ما را به تعبیر اصنام خمینی صورت یک کشور زلزله زده‌ای درآورد، در واقع کفاره عدم هوشیاری، عدم کفایت، عدم قاطعیت انقلابی سگانداران انقلابی انقلاب مشروطیت بود که مردم زحمتکش و شهنشده ما، سالیان دراز محصور به برداشت آن شدند. تا سرانجام انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی ۲۲ بهمن به رهبری اصنام خمینی و با شرکتی مانند خلق زحمتکش باخاسته راه نجات را گشود.

تاریخ انقلاب مشروطیت آموختنی است برای امروز، برای بهره‌بردار اشتباهات نظیر، برای تجربه‌آموزی، برای شناخت نیرنگ‌های دشمن، شیوه‌های عمل امپریالیستهای آن زمان، نحوه عمل لیبرالیهای آن دوران، طرز عمل ضد انقلابی و عاقل السلاطین و مالکین آن هنگام، انقلابی‌نمایی که انقلاب را آنقدر کابردند تا آنرا "ثامنا" مسخ کرد و مجدداً کشور را به حال استبداد و استعمار سپردند.

اگر تاریخ انقلاب مشروطیت را دقیق مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که تقریباً همه نوطه‌های خارجی و داخلی که در آن دوران برای شکست انقلاب مشروطیت طرح اجرا شد، امروز نیز مکارانه‌تر و با مقیاس وسیع‌تری علیه انقلاب نجات‌بخش ۲۲ بهمن طرح اجرا شده و می‌شود، اما شرایطی که در آن انقلاب ۲۲ بهمن انجام گرفته، دو تفاوت مهم و اساسی با شرایط انقلاب مشروطیت دارد. یکی آگاهی سیاسی توده‌های میلیونی انقلابی مردم که با سطح آگاهی سیاسی مردم در آن زمان قابل مقایسه نیست. دوم اوضاع بین‌المللی که در آن زمان روسیه تزاری استعمارگر از یکسو، انگلستان سردمدار استعمارگران غرب از سوی دیگر ایران را در محاصره داشتند و کشور ما را طعمه‌ای می‌دانستند که باید با یکدیگر، گریه‌وار تقسیم کنند. ولی امروز همسایه بزرگ شمالی ما، اتحاد جماهیر شوروی - دوست و حامی انقلاب ما و استقلال ما - در برابر آمریکا، دشمن اصلی ما است. با اضافه‌آموزی در برابر امپریالیسم جهانی و دولت‌های دست‌نشانده‌اش، حربه عظیم کشورها و نیروهای ضد امپریالیستی موجود آمده و علاوه بر این، سراسر جهان زیر سلطه امپریالیسم در زیر پای سلطه‌گران می‌لرزد، تجارت ساده‌تر تناسب نیروها به مقیاس جهانی به سود تمام کشورها و نیروهای ضد امپریالیستی و بزبان امپریالیسم سرگردگنی آمریکا، تغییر کرده است. این دو عامل یکی عامل آگاهی سیاسی توده‌های میلیونی انقلابی در کشور ما و دیگری عامل تغییر تناسب قوا، سود نیروهای ضد امپریالیستی به مقیاس جهانی، عواملی هستند که همراه با رهبری مدبرانه اصنام خمینی گزندپذیری انقلاب ۲۲ بهمن را نسبت به انقلاب مشروطیت مراتب کمتر می‌کند. ولی در عوین، نوطه‌های امپریالیسم نسبت بدان دوران پیچیده‌تر شده است که هوشیاری حداکثر برای شناخت و غشی کردن آنها می‌طلبد.

تاریخ انقلاب مشروطیت آموختنی است و اصولاً "تاریخ" عمری است گذشته  
انباشته از تجربه که باید آموخت تا بتوان آنها را در عمر کنونی بکار بست. اگر  
تجارب این "عمر" گذشته بدرستی آموخته شود، دیگر مانند شاعر با تاسف  
نخواهیم گفت که:

"عمر، دو بایست در این روزگار  
تا به یکی تجربه آموختن  
با دیگری تجربه بردن بکار"

نخست وزیر در دیدار با زیر بازرگانی و مدیران کل و معاونین وزارت بازرگانی تاکید کرد:

وزارت بازرگانی بیش از همه وزارت خانه های دیگر ( باید ) به خودش همدار دهد که رابطه عاقلی خود با مستضعفین را قطع نکند.

این همدار نخست وزیر در شرایطی که گرانی، احتکار و تصود مصنوعی کالاها می شود نیاز، عمدتاً برآورده نشده دهها میلیون مردم محروم و زحمتکش فشار خریدکننده ای را وارد می آورد و هر روز نمونه های تازه تری از جنایات تروریست های اقتصادی، کلان سرمایه داران و بزرگ تاجران محترم بازار با تلاش مردم و نهادهای انقلابی از پرده بیرون می افتد حائز اهمیت فراوانی است.

وزارت بازرگانی که بر پایه قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی - قانونی که بر اساس نظریه اعلام شده از سوی شورای نگهبان بحالت تعلیق درآمد - مسئول تنظیم و کنترل رابطه عادلانه در بازرگانی خارجی و داخلی کشور است، نقش فوق العاده حساسی در پاسخگویی به نیازهای مردم و روزمره محرومان و مستضعفان دارد. از اینروست که بقول نخست وزیر:

وزارت بازرگانی در کانون توجه مردم قرار دارد، چون با توزیع ارزاق و مایحتاج عمومی و مساله گرانی و ارزانی و بازار ارتباط پیدا می کند... همه چشمها به وزارت بازرگانی برمی گردد که چه سبستی را در این برهه در پیش می گیرد و در امر توزیع واردات چه سبستی را دنبال می کند.

نخست وزیر در ادامه سخنان خود می افزاید:

" به نظر من در جامعه کمبود ایجاد ناراحتی نمی کند، بلکه آن چیزی که ممکن است منجر به ناراضی مردم شود، عدم توزیع عادلانه امکانات است که مهم ترین مساله می باشد.

می دانیم که وزارت بازرگانی در رژیم گذشته یکی از اهمتهای نیرومند تسلط فارتگرانه انحصارات امپریالیستی بر اقتصاد میهنمان بود. این حقیقت

تلخ نیز پنهان نیست که هم در زمان دولت موقت و هم زمانی که بنی صدر و دارودسته او این وزارتخانه را در چنگ خود داشتند، این وزارتخانه همچنان در خدمت کلان سرمایه داران و بزرگ تاجران قرار داشت. تلاشهای شدید رحایی و باهنر نیز برای استقرار سبستی در خط مستضعفین در این وزارتخانه با کارشکنی و اخلاص باند کبیرالها کمرکز حساسی را در انفعال داشتند بواجب بود. گام های مثبتی که در زمان نخست وزیر موسوی در راستای خط ضد امپریالیست و مردمی امام به پیش برداشته شده مانع از آن نشده است که محافل طرفدار فارت کلان سرمایه داران و بزرگ تاجران محترم بازار، همچنان در این وزارتخانه به اعمال نفوذ مخرب خود ادامه دهند. اکنون همدار نخست وزیر به وزیر بازرگانی و مسئولان این وزارتخانه همچنان نشانه آنست که هنوز محافل نیرومندی مانع از آنند که وزارت بازرگانی به عنوان یک وزارتخانه حساس و کلیدی در تمام جهات، خط امام، خط حمایت از مستضعفین را راهنمای عمل خود قرار دهد و در این راستا عمل نماید.

اکنون در حقیقت تروریست های اقتصادی هر چه دلشان بخواهد به سر مردم می آورند و با احتکار و گرانی قوت لایموت مردم تا داروهای مورد نیاز محرومین جنگ میبارد تا تومان به جیب می زنند و غالب است که در این راه از امکانات قانونی که وزارت بازرگانی در اختیارشان گذاشته است بیشترین بهره را در فارت سی حساب مردم مستضعف می برند. در همین هفته گذشته در دو مورد سبای جمهوری اسلامی طی گزارش مستندی، بحتگرانی را نشان می داد که با استفاده از امکانات قانونی وزارت بازرگانی توزیع ۲۰٪ کالاهای وارداتی خود را زیر نظر وزارت بازرگانی قرار داده و باقی آن، یعنی ۷۰٪ کالاهای وارداتی را به انبارهای فرستاده اند که نه تنها مردم رنگ آنها بقیمت عادلانه خواهند دید، بلکه به بهای فقر و خانه خرابی و گرسنگی مردم مستضعف تنها جیب گشاد این تاجر محترم بازار، پر و برتر می گردد. متأسفانه وزارت بازرگانی

در برابر این غارت آشکار تنها به این انگفا کرده است که اعلام کند. مجازات سنگینتری علیه احتکارکنندگان کالا در پیش گرفته می شود. درحالیکه همگان می دانند که فقط با مجازات این با آن محنکر و گران فروش، نمی توان ریشه احتکار و گران فروشی را خشکاند. تا زمانی که قرار باشد نظم اقتصادی کشور در مدار پیچرخه که بازرگانی داخلی و خارجی در بد قدرت بزرگ تاجران زیر نام "بخش خصوصی" قرار داشته باشد، گارنت قاطع ترین سیاست های مجازات محنکران نیز بی فایده خواهد بود. زیرا که بقول معروف در سری همان باشه می چرخد. تا وضع چنین باشد، بزرگ تاجران بازم میلیاردان تومان بجنب خواهند زد و در عوض بخش وسیعتری از مردم، در فقر فرو خواهند رفت.

حوشخانه قانون اساسی با دولتی شناختن بازرگانی خارجی و تاکید بر اهمیت بخش دولتی و تعاونی در مجموعه اقتصاد کشور، چهارچوب لازم را برای توزیع عادلانه کالا فراهم آورده است. اما تا زمانی که در عمل، بازرگانی خارجی دولتی نشود و یا شبکه گسترده ای از توزیع دولتی و تعاونی، توزیع داخلی در کنترل دولت قرار نگیرد همچنان گفته حجت الاسلام رفسنجاسی بقوت خود باقی خواهد بود:

"که جامعه گرفتار است دچار تبعیض است. یک عده دارند از پر خوری خفه می شوند کسای از بداری دارند می میوند"

(نار جمعه ۲ تیر ماه)

برای توزیع عادلانه کالا، باید نظم نا عادلانه اقتصادی را که بر غارت بی حساب مردم مستضعف متکی است از سیاد تغییر داد. اجرای این امر هم از دیدگاه احزاب و عدالت و هم از نظر فقه و استحکام انقلاب ضروری است.

رئیس جمهور خانه های بدستی می گوید:

اگر بخواهیم در برابر بوطه های داخلی و خارجی قدرت مقاومت خود را بالا ببریم ناگزیر باید صن نگهداشتن اکثریت مردم در صحنه. آینه را همچنان مستند، موص و وفادار به انقلاب کنیم و وفاداری به انقلاب در صورتی است که مردم از انقلاب یک چیزی ببینند.

فقط با مجازات نمی توان از غارتگری سرمایه بزرگ تجاری جلوگیری کرد.

هفته گذشته خبری در روزنامه اطلاعات منتشر یافت حاکی از اینکه ۹ وارد کننده آهن به زندان و میلیونها تومان جریمه محکوم شدند. خبر را که تا آخر بخوانید، خواهید دید که مدت زندان این واردکنندگان آهن ۵ روز تا ۱۰ روز به تفاوت بوده است. آنها جریمه نیز نشده اند. سوء استفاده های که از گران فروشی آهن کرد، مانند از ۲۲ میلیون و ۸۰۰ هزار ریال و کمتر تفاوت بود و مقدار جریمه آنها نیز از ۵ میلیون تومان و کمتر به تناسب جرم بوده است.

۱۶ مرداد پس از سال نیز همین ساله سوء استفاده مردوندگان آهن در طرح شده بود. آقای س عطاءالله مهابرانی رئیس کسبوس، بازرگانی مجلس شورای اسلامی در آن شماره به حق اصرار داشتند که در حلال ساختن طرح اقتصادی، دیگر مسئولین آمده اند و کارهای اساسی، خصوصاً آهن را به توزیع کنندگان در حلال که سوا "فلا" هم در تجارت آهن بخش دانستند، سپردمانند. آنها خود محدود توزیع کنندگان در حلال دوم و سومی هم در مناطق پیدا می کنند و در این سیر امکان فساد بیشتری هست. رئیس کسبوس بازرگانی مجلس توضیح داد که سرمایه داران بزرگ "شرکت سهامی" تشکیل داده اند، به نام شرکت تعاونی و زیر این نام "عارتگری خودشان را مشروعیت می دهند". در همان شماره روزنامه، آقای مسکراولادی و بریارگانی نیز به طرح ساله پرداخت و توضیح داد که علت واگذاری محدود توزیع آن به "تعاونیها"، در مرحله اول اینست که دولتی نباشد.

بدینسان در زمینه بازرگانی خارجی آهن و توزیع داخلی آن نیز ماهها یکی پس از دیگری می گذرد و سرمایه داران بزرگ به عارتگری خود همچنان مشغولند. و این البته فقط منحصر به آهن و خرید و فروش آن نیست.

حال برای جلوگیری از این عارتگری چه باید کرد؟ برخی مانند آقای نوکلی - وزیر کار و امور اجتماعی عقیده دارند که "مجازات سببترین روش برای جلوگیری از تخلف در جامعه است. اگر مجازات متناسب اعمال گردد کارها درست می شود." (کتابان ۵ مرداد) ولی حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی ضمن اعلام خبر مجازات ۹ وارد کننده و فروشنده آهن اظهار داشته است که: "رأی بر حورود قاطع دادگاه انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی با متخلفین، اخرا" عدما یاز افراد فرصت طلب و سوجدو که حرائشی نظیر گرانفروشی و احتکار و قاچاق کالا نیز دارند با بتول شدن به بعضی از تحصیلها نصیب دارند گاردادگاه را لوت و سوارش حلوه دهند که این حواسزها علیه دادگاه بخاطر قاطعیت و نفاوت درست دادگاه است. . . . شخصی که از طریق گران فروش و احتکار، میلیونها تومان کلاهبرداری می کند و برای رد کم کردن صد هزار تومان به جبهه ها کمک می کند، آیا این افراد را لوصفت می توانست جاسی در جامعه داشته باشند."

پس معلوم می شود که وقتی سیستم خرید و توزیع کالا (آهن و یا هر چیز دیگری) به سرمایه دار بزرگ تجاری واگذار می شود، سیستم گارتگی در اعمال "مجازات متناسب" نیز موازی با آن موجود می آید، تا سرمایه داری بزرگ به عارتگری خود ادامه دهد. تازه حتی اگر "مجازات متناسب" که سهل است، مجازات فوق العاده شدیدی هم نسبت به این با آن فرد متخلف اعمال شود و مانند گذشته ها این با آن محنکر گندم به داخل گوره نانوا می افکند شود، ولی "سیستم" عوض نشود، باز "کارها درست نخواهد شد". تصور اینکه فقط با مجازات نمی توان مسائل اقتصادی - اجتماعی را حل کرد، تصور نادرست و بی

حاصلی است. برای اینکه غارتگری سرمایه‌بزرگ بهار شود، مقدم بر هر چیز باید قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی از "حقاق" خارج گردد و نوع اجرا گذارده شود. تازه این کافی نیست. علاوه بر آن باید یک شبکه توزیع دولتی کالا و یک شبکه توزیع تعاونی واقعی کالا (و نه شرکت سهامی سرمایه‌داران زیر نام تعاونی) بوجود آید. تا این غارتگری بهار شود.

دادسرای ویژه امور صنفی بنا به گفته آقای صادق تقوایی برهبرست این دادسرا (کمیسیون ۳۰ شه‌ماه) روزانه بطور متوسط مبلغ یک میلیون تومان حربه در یافتی از گرانفروشان را به خزانه‌داری واریز می‌کند. معذالک "کارها درست" نشده است. علاوه بر تعقیب و معازات گرانفروشان بگفته ایشان "سود طلسمی بخش خصوصی و ظلم ناپذیری مکتب و طاقت‌فرسا بودن هزینه زندگی اجناس می‌کند که بخش خصوصی از بازرگانی خارجی خلع‌ید و امور آن در اختیار بخش عمومی (دولتی) قرار گیرد. ولی "فعلاً" توزیع کالاهای اساسی یعنی کالاهایی که بازار سیاه دارد، با استثناء صنایع داخلی با وزارت بازرگانی است. بافت وزارت بازرگانی برای رماندازی یک عده تاجر همیشه بود که درصد ناچیزی از جامعه را تشکیل می‌دهند، لکن سود کلانی از درآمد ملی را بحیب می‌زنند. هر چند پس از سقوط رژیم، آهسته آهسته تغییراتی در این وزارتخانه بوجود آمد ولی این تغییرات متناسب با شتاب تحول زیاد در جامعه نبوده است. وقتی اعلام می‌شود کار مردم را از مردم نگیرید تصور می‌شود که یعنی آن ۵ درصد تاجر همیشه که بیشترین درآمد و سود نامشروع را بحیب خود سرازیر می‌کنند. می‌بایست، در حالیکه اگر تجارت خارجی دولتی شود این سود کلان بحیب استبداد مستغف می‌گردد. معازت دیگر به خزانه می‌ریزد و یعنی این بخش اقتصاد از جنگ چند درصد اندک درآمده در اختیار بخش عمومی قرار می‌گیرد. خلاصه تا دولتی کردن بازرگانی خارجی اجرا نگردد، تا توزیع کالا بوسیله یک شبکه توزیع دولتی و یک شبکه توزیع تعاونی واقعی، انجام نگردد، غارتگری سرمایه بزرگ تجاری ادامه خواهد یافت و هیچ مجازاتی قادر نخواهد بود، "کارها را درست کند".

رفقا توجه دارند که در اینجا سخن بر سر دکان کوچک با سرمایه کوچک نیست، این بخش توزیع در کنار شبکه توزیع دولتی و تعاونی می‌تواند و باید به صحت خود ادامه دهد.

سناست "سومین سالگرد انقلاب فرهنگی، روزنامه کیهان (شنبه ۵ مرداد) با وزیر علوم و چند تن از دست‌اندرکاران سایل دانشگاهی مصاحبه‌هایی انجام داده است. در این مصاحبه‌ها گونه‌های دیگری از سایل و مشکلات موجود دانشگاهها از جمله "ساله" ادامه "بازگشایی‌ها، ضوابط حاکم بر گزینش دانشجویان، براجندگی و جندگانی در سبادهای مصمم‌گیری سایل دانشگاهی و ... فاش شده است.

مذتهاست که علیرغم حواص و تعایل مسئولین خط امام و بویزه تاکیدات مکرر امام خمینی در مورد بازگشایی کامل دانشگاهها، این امر حیاتی با انواع و مشکلات متعدد بوسروست و آنچه تاکنون انجام شده، ناگامی، سه‌گانه و ناقص است. ستاد انقلاب فرهنگی که مسئولیت اصلی را در این رسبه بعهده داشته بدلیل وجود پاره‌ای گراشباب با خط امام و مخالف بازگشایی دانشگاهها نشاء اثرات سناقص و تاخیر و تردد در بازگشایی دانشگاهها و پذیرش همه دانشجویان سبب شده انقلاب بوده است. خروج مرحله دوم بازگشایی، علیرغم وعده‌های مختلف همچنان در بونه ابهام است و این واقعیت در مصاحبه‌های فوق‌الذکر چشم می‌خورد. وزیر علوم در پاسخ بدس سوال که

"بازگشایی مرحله دوم دانشگاههای کشور چه زمانی صورت خواهد گرفت؟" پاسخ داده است "هموز معلوم نیست" و برآستی نیز ستاد انقلاب فرهنگی برنامه مشخصی را ارائه نداده است. رئیس دانشگاه اصفهان در همین رسبه می‌گوید: "در زمینه علوم انسانی ... کار با آن حدی نبوده است که عطش انقلاب را سیراب کند." رئیس دانشگاه سیستان و بلوچستان نیز معتقد است: "ساله مهم، توقعی بود که در حد امام از ستاد انتظار می‌رفت و برآورده نشده...". این سخنان تایید دیگری است بر این نظریه که ستاد انقلاب فرهنگی نتوانسته است راهگشا و انقلابی عمل کند. روند بازگشایی بسیار کند، ناقص و نیمه‌گانه صورت گرفته و در همان حدی نیز که کار پیش رفته گراشبابی در ستاد انقلاب فرهنگی کوشیده است با تحمل سببتهای سنگین‌طرانه و با ناراضی تراشی و غرقمانداری، مشغول واقعی رهنمودهای امام را مسخ کند.

رقفا توجه دارند که پس از رهنمودهای قاطع امام، سنی بر بازگشایی دانشگاهها و عقب‌نشینی نسبی مخالفین در این عرصه ساله "جنگونی و ضوابط پذیرش استاد و دانشجو" به یکی از مرصه‌های حاد رودررویی خط‌ها انجامید. امام و نمایندگان برجسته خط امام نظیر آیت‌الله منتظری و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و ... با رهنمودهای مکرر و روشن خود از حضور و ادامه تحصیل همه دانشجویان مدافع جمهوری اسلامی، قطع نظر از معتقدات مسلکی و دیدگاههای فلسفی آنان، و حتی غرب خوردگان دفاع کرده‌اند. اخیراً "نیز آقای نجفی وزیر علوم باردیگر بر این سبگیری دلبست - که اعتقاد بهروان راستین خط امام است - تاکید کرد که "خط‌گلی این است که کسی را بصرف داشتن بک عقیده سیاسی از تحصیل محروم نکیم. ولی اگر افرادی سوانق با وضعیت حالشان شخص کننده سواستفاده و دنبال کردن اقتراض سیاسی باشد و حرکات آنها موجب طلب آزادی و نگرانی شود از سبب‌نام آنها جلوگیری خواهد شد. آنچه که آقای رفسنجانی هم گفتند ناظر بر همین مطلب است. ضوابط هم نوشته شده و به دانشگاهها (شورای پذیرش) داده شده است."

علیرغم این سخنان روشن‌ازهم در عمل خط‌دیگر است که پیش می‌رود. دانشجویان و استادان بدلیل عقاید سیاسی‌اشان تصفیه می‌شوند و پررشته‌های چند صفحه‌ای سببگام سبب‌نام در برابر دانشجویان قرار می‌گیرد که باز اصلی آن متوجه "کشف" تفکرات سیاسی دانشجویان و "شناسایی" دستان و همفکران

آنهاست. تفتیش عقاید در این پرشنامهها آنقدر حش و آشکار است که مورد اعتراض و مخالفت گروهی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز قرار گرفته است.

محروم ساختن گروه کثیری از دانشجویان بدلیل غیرمکتبی بودن - که اکنون سگر مهم مخالفان خط امام در جلوگیری از بازگشایی دانشگاهها است - زمانهای بسیاری را برای انقلاب و برای رشد کشور در عرصه‌های مختلف به دنبال داشته و خواهد داشت. محروم ساختن و حذف بخش عظیمی از نیروهای متخصص - که مابین انقلاب و جمهوری اسلامی معتقدند - ضدیت آشکار با تلاش پرورد و روح پسرمانانه‌ای است که مردم ما برای نیل به استقلال واقعی متحمل می‌شوند. حذف نیروهای متخصص تنها ضدیت با حقوق اجتماعی تصریح شده اتحاد ملت ایران در قانون اساسی نیست. بلکه اخلالی است در ساززه استقلال طلبانه مردم ایران.

علاوه بر اینگونه گرایش‌های انحرافی در نظام آموزشی کشور، چندگانگی مراکز تصمیم‌گیری از عوامل مؤثر منفی است که حل مشکل را دشوارتر کرده است.

وزیر علوم تعدد مراکز تصمیم‌گیری را شکل عمده دانشگاهها دانسته و می‌گوید: "عمده‌ترین مسأله تعیین یک ارگان مرکزی بر قدرت با مسئولیت‌های مشخص و قانونی است که بتواند کل فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی را زیر نظر داشته باشد. این سخنان آشکار می‌سازد که ارگان‌هایی، نهاد‌هایی، ستادهایی وجود دارند که مسئولیت‌شان مشخص و قانونی نیست و همینها هستند که امروز جواب‌لای جرح بازگشایی دانشگاهها می‌گذارند.

در هر حال واضح و آشکار است که نیاز ضرور انقلاب می‌طلبد که دانشگاهها بدون تاخیر و بطور کامل بازگشایی شوند. تصفیه‌های غیرقانونی متوقف گردد، تفتیش عقاید دانشجویان طبق قانون اساسی ممنوع گردد و فضای مناسب برای تحصیل و شکوفایی استعداد هزاران هزار نیرویی که می‌خواهند در خدمت انقلاب باشند، بوجود آید. تنها در چنین صورتی است که انقلاب فرهنگی می‌تواند مجرای صحیح خود را بسازد و معضلی بنام "ساله دانشگاهها" برای همیشه حل شود.

در هفته گذشته، در پایان دومین سمینار مسکن و شهرسازی که منظور تأمین هماهنگی برای اجرای قانون اراضی شهری و آیین‌نامه اجرایی آن برگزار شد، وزیر مسکن و شهرسازی، به‌راه مدیرعامل و اعضای هیات مدیره و سرپرستان واحدهای زمین شهری با رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رئیس سازمان آوارزی کل کشور دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رئیس سازمان آوارزی کل کشور، بر اجرای بدون حده قانون اراضی شهری تأکید ورزیدند و از وزیر مسکن و شهرسازی و مسئولان اجرای قانون اراضی شهری خواستند که در اجرای صحیح این قانون پیگیری نمایند.

اهمیت تأکیدات رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و رئیس سازمان آوارزی کل کشور بویژه از آنروست که مسئولان ارشد ادارات مسکن و شهرسازی و کلان صاحبان مستغلات، پس از آنکه نتوانستند مانع تصویب قانون اراضی شهری شوند، تمام توان خود را بکار گرفته و می‌گیرند تا از اجرای این قانون جلوگیری نمایند. آنها تلاش دارند در عمل، قانون اراضی شهری را منحرف کرده و از محتوای مردمی آن تهی سازند.

آنها در جریان برگزاری نشست تصویب قانون اراضی شهری در مجلس و آیین‌نامه اجرایی آن در دولت، با هرگونه کنترل دولت بر معاملات رسمی مخالفت کردند. یکی از سخنوران آنها در مجلس گفت:

«... آیا برای ما راهی هست که بتوانیم با این وضعیت مواجه شویم؟ عیب‌های ویرانه‌ها را باید در مقابل ملت و ادراک کنند که این (قانون اراضی شهری) اشخاصی است که سود کرده است. (اطلاعات - ۲۵ سپتامبر ۱۳۶۰ - گزارش مجلس)»

آنها سعی کردند مخالفت خود را رنگ «اخلاقی» بپوشانند و با استناد آنجنانی به اصل «تراستی» قانون اراضی شهری را «خلاف شرع» اعلام کردند. حوشخانه اکثریت نمایندگان مجلس، تسلیم این فشارها نشدند و قانون اراضی شهری را که اقدام مهمی در جلوگیری از اجحاز زمین‌های شهری و غیرقانونی شاختن بورس‌های زمین‌های شهری است، تصویب کردند. تأکیدات اخیر رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رئیس سازمان آوارزی کل کشور، در زمینه اجرای بدون حده قانون اراضی شهری این امید را می‌دهد که کارشناسی مخالفان در مرحله اجرای قانون سر مانع مرحله تصویب آن غنی و مفید گردد. اجرای درست و نام و تمام قانون اراضی شهری البته مشکل مسکن را حل خواهد کرد ولی کمکی خواهد بود در راه حل آن.

نخست‌وزیر بدرستی یادآوری کرد: «ما باید با ذهنیت صحیح با قانون اراضی شهری برخورد کنیم و تصور نکنیم که این قانون مساله مسکن را در سطح کشور حل می‌کند، ما نباید چشم‌پوشایی را به تمام راه‌حلهای اخلاقی مسکن بکنیم. قانون اراضی شهری می‌تواند به حل مشکل مسکن کمک نماید.»

نکته اینجاست که قشر وسیعی از زمینکنان خانه‌دوش مسکن ما، در صورت قدرت خرید زمین برای خانه‌سازی ندارند و حتی اگر زمین بماند نیز در اختیار آنها قرار گیرد تازه از عهده تأمین بهای مصالح و اجرت ساختن برمی‌آیند. به این دلیل و هم بدلیل ضرورت پاراماندهای اصولی تولید مسکن، لازم است ضمن تقویت تعاونیها و استفاده کنترل‌شده از امکانات بخش خصوصی، دولت خود را با تولید مسکن و ایجاد مجموعه‌های مسکونی بپردازد و آنها را به اقساط درازمدت و با با اجارهای مناسب که درصد قابل قبولی از درآمد زمینکنان را شامل شود به آنها واگذار کند. منظر ما، امرخانه سازی و تأمین مسکن، اساساً باید بر عهده بخش دولتی و بخش تعاونی قرار گیرد، و از امکانات بخش خصوصی نیز تحت کنترل و نظارت دولتی استفاده شود.

علاوه بر اقدامات فوق برای گره‌گشایی مشکل مسکن، باید خاطرنشان کنیم که حدود نیمی از مردم شهرنشین ما آچاره‌نشین‌اند و اغلب آنها بیش از نیمی از درآمد خود را به آچاره‌ها و هزینه مسکن می‌دهند. این ارقام سرسام‌آور بسیار آن است که می‌باید از طریق غلبیل و مهار حدی آچاره‌ها و وضع قوانین عادلانه و از طریق محدود کردن میزان مالکیت املاک مسکونی و از طریق امرایش مرصه مسکن این وضع آزارناک را سود. سناجرین و خانه‌دوشان عمیر داد.

حجت‌الاسلام محقق داماد، رئیس سازمان آوارزی کل کشور، در دیدار وزیر مسکن و شهرسازی و همراهان نکته فوق‌العاده‌ای را تذکر داد. رئیس آوارزی کل کشور، در خصوص اهمیت وظیفه کمیسیونهای تخصصی ماده ۱۲ قانون، هشدار داد:

«لازم است بهترین افراد معهد و مجرب نمایندگان کمیسیونها بعنوان عضو معرفی شوند.»

هشدار رئیس آوارزی کل کشور از این جهت دارای اهمیت است که احتمال اخلال و سوءاستفاده در زمینه تشخیص و تمیز زمینهای موات، سایر و دایره‌ها تنها وجود دارد. بلکه مؤثرترین مجرای جرأتکاری مخالفان این قانون است، هرچند ماده ۸ همین نامه اجرایی به حق، مندرجات اسناد مالکیت را به تنهایی ملاک تشخیص نمی‌شاید. با اینهمه، اتفاقاً عوامل زمینداران بزرگ شهری و کلان صاحبان مستغلات، خواهند کوشید، با نفوذ در هیئت‌های تشخیص، راهی را که این ماده بسته است، از سوی دیگر بکشایند. باید به جریان اخلاقی قانون کمک کرد تا از نفوذ عوامل و طرفداران زمین‌داران بزرگ و مالکان بزرگ مستغلات به کمیسیون‌های تشخیص جلوگیری کنند. با این کمیسیون‌ها بهتر می‌تواند با اجرای درست بندهای این‌نامه اجرایی، فارغ از جرأتکاریهای عناصر مربوطه



محافل قدرتمند مدافع مالکان بزرگ اراضی، مطابق منابع کوخ‌نشینان و زاهدنشینان و خانمدوستان، در اطلاق یا خط‌مردمی اسامی خعبنی تصمیم‌گیری کنند.

بهر حال، اکنون دیگر اجرای صحیح قانون اراضی شهری مطرح است، تلاش در این راه یک وظیفه و عمل انقلابی است. رئیس سازمان بازرسی کل کشور، با توجه به همین نکته است که اطمینان داریم

این سازمان (سازمان بازرسی کل کشور) با تمام توان، ناظر اجرای صحیح قانون بوده و از مسئولان متعهد محری این قانون حمایت خواهد کرد.

(اطلاعات پنج‌شنبه ۷ مرداد)  
ما دارد که رفقا، اهمیت این اطمینان تعهدآور رئیس سازمان بازرسی کل کشور را در مد نظر داشته و به مردم توصیه دهند، مانند کما اجرای صحیح این قانون، انقلاب در راه عدالت اجتماعی در زمینه مسکن گامی ۱۰۰ پیش بردارد.

« لشکرشاد یصا رخصسای بهت ساز » مجید مقدم نژاد  
 « کساره کاشفی » نادر ابراهیمی « فیروز خانسی  
 هم به خیل شهدا پیوستند.

رفقا و دوستان! به عزیزان! بر احترام فرود آورید که باز ۵ تن از رفقای ما  
 از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به خیل شهدان انقلاب پیوستند.  
 « شهید فرهاد رضا رهنمای چیت ساز » « شهید گاو کاشفی » « شهید نادر  
 ابراهیمی » « شهید مجید مقدم نژاد » و « شهید فیروز خانسی که ماهها همدوش  
 ما مسلمانان اپوزیسیون و مبارزان قهرمان توده‌های بادشمن تجاوزگر جنگیدند،  
 سرانجام با اهدای خون گرم و پاک خویش به پای نهال انقلاب ایران، این  
 حقیقت بازر را یاد دیگر ما سرحدگی حطه‌آمیزی به اثبات رساندند که فدائیان  
 خلق (اکثریت) به ایدئولوژی و سیاست سازمان تا آخر وفادارند، از مبارزان  
 پیگیر و جانناز ضدامپریالیست، از مدافعان فداکار استقلال، آزادی و عدالت  
 اجتماعی سپهر عزیزند، و می‌توانند براحتی در راه دفاع از انقلاب  
 ضدامپریالیستی و مردمی ایران، در راه شکوفایی جمهوری اسلامی در راه  
 استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در راه پیشبرد خط ضدامپریالیستی و  
 مردمی امام خمینی در انقلاب، جان خود را فدا کنند.

من سرباز جمهوری اسلامی ایران هستم. جمهوری که خواهان برقراری  
 استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی است... ما امید و اطمینان بسیار  
 داریم که نیروهای واقع‌بین خط امام خواهند توانست در مقابله با نیروهای  
 مخالف یا منحرف پیروز شوند... اکنون که من اینجا هستم واقفاً به  
 ایدئولوژی خود و حقانیت آن پی‌می‌برم چون که با چشم خود می‌بینم اکثریت  
 فریب‌پاتفاق اشخاصی که در اینجا بسر می‌برند، از طبقه زحمتکش هستند...  
 ما با آمریکا می‌جنگیم و در راه مبارزه با آمریکا جان می‌سپاریم... من  
 برای سرد با آمریکای حیانگار به جبهه‌ها شناختام... در تشبیه جازه  
 من... ما فریاد هرچه رساتر برگ بر آمریکا بردهان کشمیرهای و قطب‌راده‌های  
 آشکار و پنهان سکویید... در شرایطی که امپریالیسم سرگردگی آمریکای  
 حیانگار با تحریک صدام و دارودستش ما را در جبهه‌ها می‌گوید و هرروز

گروهی از مردم بی گناه، مسلمانان افلاسی، توده‌های، فدائیان خلق (اکثریت) را به خاک و خون می‌کشد. در پشت جبهه‌ها نیز سرمایه‌داران وابستگوبرگ مالکان غارتگر و محسوران را الوصفت، خون خانواده‌های زحمتکش را می‌مکند و مردم بر فعالیت‌های خرابکارانه، مفاقا فکانه و تشنج‌فرین خود می‌افزاید و از مواضع مهمی که در اختیار دارند، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار می‌دهد. این مواضع را باید از آنها گرفت ... وقت آن است که محرومین و کوخ‌نشینان از فداکاری‌های بی‌مانند خود بهره‌مند شوند. انقلاب هم برای همین بوده است.

اینها رقتا، برخی حملاتی است از نامه‌ها و وصیت‌نامه‌های رقتای شهید ما که نام بردیم.

رفیق شهید نادر ابراهیمی، در شب ۲۵ اردیبهشت ۶۱ آماج گلوله دشمن نوازگر قرار گرفت. او از ناحیه سینه و پا شدت محروح شد اما در غلظت، به رحمت خود را ایستاده گیدانت، سینه بر اعراضت و فریادزد "سرگ سر امریکسا! درود بر حبیبی، زنده باد سازمان ... انعام عسکرای جان حواش را برای همیشه عسما برد.

رقتا و دوستان! بر احترام فرود آورید. با شهیدان خود، با شهیدان انقلاب، تجدید بیان کنیم که تا آخر، از انقلاب سدا مهربالستی و مردمی ایران، دفاع کنیم. ما فرزندان انقلاب خلق هستیم. ما فرزندان ایران انقلابی هستیم. ما تا آخر برای حفظ ایران افلاسی، ایران مستقل و آزاد و برحوردار از عدالت اجتماعی بود زحمتکشان و محرومان ایستادیم. بمانیم. بندهم که برای حفظ انقلاب، همچون رفیق شهید، نادر ابراهیمی، مانند درخت ایستاده بمریم.

به خواهرزادمام دروغ نگویید

نگویید من به سفر رفته‌ام

خواهرزادمام، واقعیت را بگویید

بگویید با

هزاران شماره دشمن

سینه دایات را نشانه رفتان

بگویید خون دایات

در تمام مرزهای غرب و جنوب کشورش.

جاری است

بگویید پوشکهای دشمن

انگشتان دایات را در سوزان

دستهای دایات را در میگ

پاهای دایات را در مویان

سینه دایات را در شلمجه

چشمان دایات را در هویزه

حجره دایات را در رودخانه بهمنشیر

و قلب دایات را در کرچه نور -

دریده است.

اما هنوز

ایمان دایات در تمامی جبهه‌ها می‌جنگد

برای آزادی می‌جنگد.

خواهرزادمام واقعیت را بگویید

به او بگویید:

هر روز فاشنه دایاتش را بسدد

هر روز جنس دایاتش را بساكد

هر روز اسلحه دایاتش را روغن‌کاری کند

هر روز با قمقمه دایاتش آب سوند

و همیشه با امریکای حنابتکار بجنگد.

خواهرزادمام واقعیت را بگویید

بگویید من به سفر رفته‌ام

خواهرزادمام بگویید که من شهید شده‌ام

در راه انقلاب.

(از رفیق شهید شاهرخ اختیاری - شهادت ۱۳۶۱/۲/۱۰ در جبهه کرخه‌سور)

(۱۳)

تجاوزگران امریکاییست - صهیونیست. ضمن تلاش برای خروج از بن بست، در انتظار گشایش در کار گره خورده شان همچنان معاصره بیروت را ادامه می دهند. بایداری قهرمانانه مردم فلسطین و لبنان به زنجیری سازمان آزادیبخش فلسطین، موضعگیری قاطع و نیرومند سوریه در برابر تجاوزگران، پشتیبانی معدانه و استوار جبهه جهانی ضد امریکاییستی و در راس همه، اتحاد شوروی از ملوک حق فلسطین و لبنان و سوریه در قبال تجاوز امریکایی - صهیونیستی، گسترش اعتراضات مردمی از جمله در خود اسرائیل، تجاوزگران را در چنان بن بستیی افکنده که در تلاش برای خروج از آن، هم بین دولتهای امریکا و اسرائیل و هم در محافل حاکمه امریکا، علامت "اختلاف طبقه" بروز کرده است. عقیده برخی ناظران سیاسی، امتناع امریکا از شرکت در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای فرار از اعمال "وتو" سود اسرائیل است. ولی هنوز زود است گفته شود که هر کدام - امریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل - درصددند گنیم خود را حداکانه از مرکه بیرون بکشند. در هر حال تجاوزگران امریکایی - صهیونیستی به بن بستیی در لبنان افتاده اند که اندک انتظاری آنها نداشته اند. فعلا می توان گفت که در کنار تلاشهای اساسی شکست خورده نظامی، تجاوزگران برای بیرون رفتن از بن بست به کوششهای سیاسی - دیپلماتیک و بهزای متوسل شده اند که در پشت دود غلیظی از تبلیغات حساب شده برای پنهان کردن شکستهایشان و نیز دود و گرد غلیظ مبارزات بخش غربی لبنان، تبلیغات امریکایی - صهیونیستی بطور عمده به هدف بهم پیوسته در راستای دفاع از مواضع امریکاییسم امریکا و رژیم فاشیست اسرائیل را دنبال می کنند.

هدف نخست، جلوگیری از بازتاب شکستهای سیاسی و نظامی رژیم فاشیست اسرائیل در برابر مردم فلسطین و لبنان به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین است. دوسم "حنگ ۶ روزه" به نخستین "حنگ ۶۰ روزه" آنها بدون دورنگا با با دورنگای شکست بدل شده، و نه تنها تلاشهای تبلیغاتی تجاوزگران بلکه حتی اشغال نظامی بخش غربی بیروت و اقداماتی بیش از آن هم نمی تواند آنها حیران کند.

رژیم فاشیست اسرائیل برای درهم شکستن بایداری مردم لبنان و فلسطین و نیروهای سوریه، ۱۵۰ هزار نفر از ارتشبان خود را که به کمک آمریکا - ابرار تازه ترین سلاحها مجهز شده اند به میدان لبنان گسیل کرد. این نیروها بخش عظیمی از مجموع ارتش اسرائیل را تشکیل می دهند. آنها انواع چهاراروی کودگان زنان، چهاران و سالیخوردگان فلسطینی و لبنانی آزمایش می کنند. انواع شکنجه ها را در اردوگاههای اسرا و بازداشت شدگان بکار می گیرند، آب و برق متناطی تحت معاصره را قطع می کنند و راه ورود غذا و دارو و هرگونه گنمی را می بندند. با اینهمه، در پایان دوسم ماه تهاجم، مقاله عمده آنها پیدا کردن راهی برای خروج از بن بست است! در این مدت نیروهای کوچک ولی رزمنده و مردمی فلسطینی، لبنانی و سوریه که توسط اتحاد شوروی از نظر تبلیغاتی محبوس شده اند، چنان ضرباتی بر نیروهای مهاجم وارد آورده اند که تجاوزگران و نه رژیمهای مرتجع و سازشکار عرب هرگز تصور آنها نیز بخود راه نمی دادند. نزدیک به ۴ هزار کشته و ۱۴ هزار زخمی و ناسودی ۷۰ جنگنده اف ۱۵ و اف ۱۶ و ۶۰۰ تانک، بخشی از خسارات وارده بر نیروهای اسرائیلی هستند که تا دو هفته پیش توسط جناح معتبری چون تاس و الثوره گزارش شده است. اهمیت این ضربات به ویژه هنگامی آشکار می شود که بدانیم جناح امریکاییسم امریکا خود اعلام کرده اند "حمله اسرائیل به لبنان به ما امکان داد که سیستم های نوس سلاح های امریکایی را در شرایط عملیات جنگی آمده در خاور نزدیک و حلب فارس آزمایش کنیم. وضعیت نیروهای اسرائیلی اکنون چنان است که حتی

سی - سی - سی سر امر می کند طی حوالت عمده کدسه برتری سیاسی اسرائیل آنقدر کاهش یافت که حتی اگر اکنون دست به عمل نظامی برد، بعد است دستش در منطقه بند باشد.

تجاوزگران که از بهایمدهای سنگین این شکستها در هراس هستند می گویند و انمود کنند که بهروزمندان "تروریستها" یعنی مردم لبنان و فلسطین را از جنوب لبنان جمع کرده و در بیروت غربی زندانی کرده اند و اکنون "از موضع قدرت" به مذاکره برای تعیین سرنوشت آنان می پردازند و هرآینه "خواهند" با یک "ضربه برق آسا" اراده خود را به آنها تحمیل می کنند. دستگاههای تبلیغاتی امریکاییسم و صهیونیسم تلاش می کنند چنین وانمود سازند که گویا این سازمان در نتیجه "شکستهای فظمی" برای هرگونه سازش آماده است. اخیرا دستگاههای تبلیغاتی امریکاییسم "کشف جدیدی" کردند و میاهوی جدیدی براه انداختند که سازمان آزادیبخش فلسطین این با آن قطعهنامه جدید با قدم سازمان ملل متحد را پذیرفته است! و این تبلیغات را چنان سار می کنند که گویی بدبوسله سازمان آزادیبخش فلسطین بند تسلیم خود را در برابر تجاوزگران امضا می کنند! و این در حالی است که همه می دانند رژیم فاشیستی اسرائیل حتی به یکی از این قطعهنامهها در طول تاریخ خود پاسید نطاعه است. ولی اتحاد توطئه امریکاییسم خسری برای محدود کردن سنمای انقلابی سازمان آزادیبخش فلسطین و پنهان کردن سنمای تجاوزگر و باغی رژیم اسرائیل چنان گسترده است که متاسفانه دامنه آن به رساندهای گروهی و مطبوعات مجار کشور ما نیز که دوست و متحد مردم فلسطین و لبنان است، سرایت می کند.

هدف دیگر تبلیغات امریکا و اسرائیل جلوگیری از تحکیم اتحاد مردم لبنان و فلسطین و دیگر خلقهای منطقه با کشورهای سوسیالیستی است. تبلیغات امریکاییستی - صهیونیستی در این راستا به ویژه تلاش می کند تا

نقش تعیین کننده حمایت‌های همه جانبه اتحاد شوروی از مردم لبنان و فلسطین را پنهان سازند. کار تبلیغات امپریالیستی در این زمینه به هوجی‌گری پیرامون "یکسوت شوروی"، "برتری بلاحیای امریکایی" و "امتناع شوروی از تحویل ملاحیای لازم" با "ملاحیای پیشرفته" به رزمندگان فلسطینی و ... رسیده است. این هوجی‌گری‌ها در حالی صورت می‌گیرد که رزمندگان فلسطینی، لبنانی و سوری به کمک تبلیغات شوروی ضرباتی سنگین بر ارتش ۱۵۰ هزار نفری اسرائیل در لبنان وارد می‌آورند و با سرعرات بطرز پرمعنایی اعلام می‌کنند "من با ابراز سپاسگزاری نام خودم، با سرعرات را روی آن تانک شوروی که همراه با دیگر دستگاههای نظامی از بیروت دفاع می‌کند گذاشتم"

علیرغم همه تلاش‌های امپریالیسم، نقش تعیین کننده اتحاد شوروی در حمایت از مردم فلسطین، لبنان و سوریه، در جلوگیری از وارد شدن نیروهای نظامی آمریکا به لبنان در کوشش برای تسبیح کشورهای و نیروهای ضد امپریالیست جهان علیه تجاوزگران، در رسوا کردن و منزوی ساختن آمریکا و اسرائیل در محام بین‌المللی و میان ملل جهان و در به بن بست کشاندن ماجراجویی صهیونیست‌ها به ...

لشونید برزف رهبر اتحاد شوروی، در آخرین مصاحبه با روزنامه پراودا اعلام داشت: "کشور ما به گمانی که در برابر تجاوزگران، سرتسلیم درود نیاورده‌اند و در راه حل و فصل عادلانه اختلافات و در راه برقراری صلح در منطقه سارزه می‌کند کمک کرده و می‌کند و از آنها پشتیبانی کرده و خواهد کرد." در همین مصاحبه لشونید برزف بار دیگر اعلام کرد: "اتحاد کشور فلسطینی بهترین و مصلحتی‌ترین راه حل و فصل مسأله ملت عرب فلسطین است و اتحاد شوروی بارها این مطلب را تاکید کرده است."

موسسین هدف عمده تبلیغات امپریالیستی - صهیونیستی، جلوگیری از سازمان یافتن اعتراضات گسترش یافته، حلقه‌ها، بویژه مردم آمریکا و اسرائیل علیه تجاوزگران است. صدای اعتراضی خلفای جهان علیه تجاوزگران امریکایی - صهیونیستی هر روز رساتر و خشمگین‌تر می‌شود. افراد آمریکا در شورای امنیت و افراد آمریکا و اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل - بویژه بحران لبنان امریکایی از آزاده، ملل سیدار جهان علیه تجاوزگران است؛ در این میان به ویژه گسترش اعتراضات مردم اسرائیل از نظر

نانهی که برآمده، رژیم اسرائیل و مناسبات آن با کشورهای عرب حجاب می‌گذارد، حائز اهمیت است. شکستهای جاسی و نظامی رژیم صهیونیستی از یکسو و فلسطی شدن جنایات مجمع آن از سوی دیگر چنان بازتاب سیدارگندمای در میان مردم اسرائیل یافته که برای نخستین بار به ارتش اسرائیل نیز سرایت کرده است. اهمیت ساله در این است که صهیونیستها بر پایه اعتقادات مذهبی یهودیان صنی بر برگزیدگی قوم یهود و با بهره‌گیری از تاریخ خونین سرگشتگی و ستم‌بدگی خلق یهود - که آخرین بار بدست فاشیستهای آلمان صورت گرفت - به تحمیل مردم پرداختند و کوشیدند آنها را آماده کنند تا دولت اسرائیل را به شاه حربه انتقام آسمانی و نردبان خونین عروج قوم یهود باور کنند و بر توسعه طلبی صهیونیسم صحه بگذارند. اکنون این حربه نژادپرستان و نردبان خونین سرمایه‌داران صهیونیست در برابر مردم اسرائیل ماضیت و چهره واقعی خود را نشان می‌دهد. نیروهای ترقیبخواه درون اسرائیل به رهبری حزب کمونیست اسرائیل برده از جنایات صهیونیسم و رژیم پلیس اسرائیل برمی‌دارند و مردم را به نردی قطعی با این رژیم و در راه دوستی و همسنگی با حلقه‌های عرب و همه کشورهای و نیروهای ضد امپریالیست جهان فرا می‌خوانند. گسترش اعتراضات مردم اسرائیل، گسترش نظامرات خیابانی برای پایان دادن به تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، بروز مخالفت در ارتش و هر چه قابل توجه سازمان و درجه‌داران و حتی برخی فرماندهای صاحب‌نام از شرکت در جنایات امپریالیستی - صهیونیستی مجموعاً خبر از پیدایش شرایط جدیدی می‌دهند که رژیم صهیونیستی اسرائیل را از درون زیر فشارهای شدید قرار خواهد داد و آنرا از درون متزلزل خواهد ساخت. رژیم صهیونیستی با تهدید و ارعاب و سرکوب می‌کوشد از اوج‌گیری اعتراضات، جلوگیری کند و مانع بازتاب آنها شود. اما این تلاشها جز تشدید تقابل رژیم صهیونیستی اسرائیل با مردم آن کشور

نتیجه‌ای نخواهد داشت